

Examining and Analyzing Moral Discourses Arising from the Quranic Concept of "Tisir" in Islamic Society

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors

Ali Bakhshi¹
Farhad Edrisi^{2*}
Mohammad Hossein Saini³
Hossein Moradi⁴

How to cite this article

Ali Bakhshi, Farhad Edrisi, Mohammad Hossein Saini, Hossein Moradi, Examining and Analyzing Moral Discourses Arising from the Quranic Concept of "Tisir" in Islamic Society, *Journal of Islamic Life Style Centered on Health*. 2022;6(1):542-548.

1. PhD student, Department of Quranic and Hadith Sciences, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran (corresponding author).
3. Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran.
4. Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran.

* Correspondence:
Address:
Phone:
Email: fzedrirs@yahoo.com

Article History
Received: 2022/01/02
Accepted: 2022/04/09

ABSTRACT

Taysir in Sharia law is one of the concepts and terms that show the grace and kindness of God towards his servants. According to this concept, Almighty God has tried to establish laws in connection with rulings and acts of worship, which are lower than the ability of believers. This means that the main purpose of fulfilling Sharia rules and laws is to bring the servants to spiritual prosperity and moral growth, and excessive strictness cannot achieve such a goal. In the current research, which was compiled based on library sources and the descriptive-analytical method, the ethical dimensions of the concept of "Tisir" are represented in order to answer the main question that what is the main moral discourse that is realized by understanding the various angles of Tisir? It seems that the concept of Taysir, apart from having a religious and jurisprudential function, promotes the moral discourse of "tolerance" and "tolerance" in the Islamic society and indirectly tells the audience that in communicating with others, it is unnecessary strictness and attention. Just stay away from their desires and act with ease so that human bonds are strengthened. Just as God made the divine commands easy so that the servants would not suffer hardships. In sum, two moral discourses are hidden in the heart of the concept of Tisir, which are: "facilitation and tolerance" and "giving up one's right for the benefit of another".

Keywords: Holy Qur'an, morality, ease, ease and tolerance.

بررسی و تحلیل گفتمان‌های اخلاقی برآمده از مفهوم

قرآنی «تیسیر» در جامعه اسلامی

علی بخشی^۱

دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

فرهاد ادریسی^{۲*}

استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران (نویسنده مسئول).

محمدحسین صائینی^۳

استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

حسین مرادی^۴

استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

چکیده

تیسیر در شریعت از جمله مفاهیم و اصطلاحاتی است که نشان دهنده لطف و مهربانی خداوند در حق بندگان است. طبق این مفهوم، حق تعالی سعی کرده است در ارتباط با احکام و عبادات، قانون‌هایی را وضع کند که پایین‌تر از توان مؤمنان است. این بدان معناست که هدف اصلی از انجام احکام و قوانین شرعی، رسانیدن نسبی بندها به شکوفایی معنوی و رشد اخلاقی است و سختگیری‌های بیش از اندازه نمی‌تواند چنین هدفی را محقق سازد. در پژوهش حاضر که با استناد به منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی-تحلیلی تدوین شده است، ابعاد اخلاقی مفهوم «تیسیر» بازنمایی می‌شود تا به این پرسش اصلی پاسخ داده شود که اصلی‌ترین گفتمان اخلاقی که با درک زوایای گوناگون تیسیر محقق می‌شود، چیست؟ به نظر می‌رسد که مفهوم تیسیر جدای از اینکه کارکردی شرعی و فقهی دارد، گفتمان اخلاقی «تساهل» و «رواداری» را در جامعه اسلامی ترویج می‌دهد و به صورت غیرمستقیم به مخاطبان بیان می‌دارد که در ارتباط گیری با دیگران، از سختگیری‌های بی‌مورد و نیز، توجه صرف به خواسته‌های خود دوری کنند و از روی آسان‌گیری رفتار کنند تا پیوندهای انسانی، تحکیم یابد. همان‌طور که خداوند احکام الهی را آسان نمود تا بندگان دچار مشقت نشوند. در مجموع، دو گفتمان اخلاقی در بطن مفهوم تیسیر نهفته که عبارت است از: «آسان‌گیری و رواداری» و «گذشت از حق خود به سود دیگری.»

واژه‌های کلیدی: قرآن کریم، اخلاق، تیسیر، آسان‌گیری و تساهل.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۲۰

*نویسنده مسئول: fzedrirs@yahoo.com

مقدمه

قرآن مهم‌ترین کتاب مسلمانان است و دستورالعمل‌هایی که در آن به صورت کلی و جزئی مطرح شده، سرلوحه زندگی دنیایی و اخروی باورمندان به این کتاب و دین اسلام قرار گرفته است. به عبارت دیگر، قرآن سبک زندگی نوع بشر را تشریح کرده و به ابعاد گوناگون آن پرداخته است. یکی از مسائلی که در این کتاب، مصادق‌ها و آیه‌هایی برای آن وجود دارد، «تیسیر» است. این مفهوم بعدها در فقه اسلامی نمود پیدا کرده و مباحث گوناگونی درباره آن مطرح گردیده است. «تیسیر در شرع عبارت است از آسان و سهل قرار دادن احکام بر مکلف، به گونه‌ای که نه تنها فراتر از وسع او نباشد، بلکه کمتر از طاقت او باشد ... بنابراین، تیسیر، اعم از تخفیف است؛ زیرا تخفیف عبارت است از برداشتن مشقت حکمی که در اصل دارای مشقت نیست، لیکن بر اثر عوارضی برای برخی مکلفان دارای مشقت غیرمتعارف گردیده است.» (۱)

این مبحث فقهی ریشه در آیات قرآن و احادیث معصومین^(ع) دارد. فقها با استناد به آیه «هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» به معنی «او شما را برگزیده است و برای شما در دین مشقتی قرار نداده است» (حج: ۷۸) و آیه «يُرِيدُ اللَّهُ بَكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بَكُمُ الْعُسْرَ» به معنی «خداوند برای شما حکم را آسان خواسته و تکلیف را مشکل نگرفته است» (بقره: ۱۸۵) و آیه «يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخَلَقَ الْإِنْسَانَ ضَعِيفًا» به معنی «خدا می‌خواهد کار را بر شما آسان کند و انسان، ناتوان آفریده شده است» (نساء: ۲۸)، از تیسیر سخن گفته‌اند و در انجام تکالیف دینی برای گروهی خاص، سهولت ایجاد کرده‌اند. مهم‌ترین عذرهایی که سبب تخفیف می‌شود، عبارت است از: عسر و حرج، بیماری، سفر، اکراه، اضطراب، فراموشی، جهل و اشتباه. بنابراین، کلیت مفهوم «تیسیر» به دو ویژگی «یُسْر» و انتفای حرج برای احکام و تکالیف شرع اشاره می‌کند و دربرگیرنده این موضوع است که افراد مکلف، گاهی به دلایل شرعی مختلف - که تشخیص آن با فقیهی برجسته است - از عمل به تکالیف دینی و عبادی خود برکنار می‌شود و یا از مقدار و میزان آن کاسته می‌گردد. به سخن دیگر، فقیه با شناخت ظرفیت‌های وجودی مکلف، برای او حد و اندازه‌ای تعیین می‌کند و دشواری و مشقت ناشی از انجام تکالیف الهی را برای او سهل می‌گرداند.

مفهوم اخلاقی تیسیر از این بابت که نمود منعطف و عقلانی دین را بازنمایی و اثبات می‌کند، دارای اهمیت است. این مقوله در متون غیردینی - که به صورت مستقیم و غیرمستقیم تحت تأثیر الهیات اسلامی قرار دارند - بازتاب دارد. موضوع دیگر، ارتباط این مقوله با اخلاقیات است. مفهوم اخلاق، «مجموعه‌ای از اصول و قواعد رفتاری است که به گونه‌ای داوطلبانه از سوی فرد پذیرفته می‌شوند و با درونی شدن در وجود او، نوع نگرش فرد به جامعه و دیگر انسان‌ها را تعیین می‌کنند.» (۲) بنابراین، اخلاق به زندگی آدمی سمت و سو می‌دهد و او را به جایگاه اصلی‌اش که در ادیان گوناگون ترسیم شده است، نزدیک می‌کند.

تفسیر مفهومی شرعی است که در کتاب خدا و سنت رسول آمده و بدون افراط، منجر به حلال کردن حرام و حرام کردن حلال می-شود. (۷)

رواداری و تساهل: این مفهوم در مناسبات بینافردی تأثیر عمیقی دارد و باعث می‌شود افراد جدای از تفاوت‌هایی که دارند، با هم و در کنار یکدیگر زندگی کنند. «تساهل و مدارا در مرحله اول یک امر انسانی و یک فضیلت اخلاقی است که در عرصه‌های مختلف فکری، عملی، سیاسی، اجتماعی و رفتار قابل اعمال است». (۸) فرهنگ رواداری این امکان را فراهم می‌کند که انسان‌ها ورای همه ویژگی‌های متفاوت، دوستانه با هم برخورد کنند. معمولاً تساهل با تسامح یکسان محسوب می‌شود و به معنای «به آسانی و نرمی با کسی برخورد کردن» (۹) است. کلمه تسامح فرق ظریفی با تساهل دارد. «تسامح از ماده «سَمَحَ» به معنای بخشش و بزرگواری است و تسامح به معنای کنار آمدن همراه با جود و بزرگواری است». (۱۰) معادل این کلمه در انگلیسی، کلمه «Tolerance» بوده و فعل آن، «Tolerate» است که در فرهنگ آکسفورد به معنای اجازه دادن به وقوع یا ادامه چیزی که شخص آن را نمی‌پسندد و با آن موافق نیست، می‌باشد. (۱۱) در مجموع، نوعی آسان‌گیری هدفمند و آگاهانه در مفهوم تساهل دیده می‌شود.

بررسی ابعاد اخلاقی تیسیر در قرآن کریم
تیسیر از جمله قاعده‌هایی است که نشان از سیمای همراه با رأفت اسلام دارد. اگرچه بسیاری از اسلام‌ستیزان می‌کوشند با ارائه مغلطه‌های بسیار، این دین آسمانی را مصداقی از آموزه‌های ضداخلاقی و غیرانسانی جلوه دهند، ولی وجود قاعده‌هایی همچون «تیسیر» این کارشکنی‌ها را خنثی کرده است. فرهنگ اخلاقی که برآیند این قاعده است، بیانگر ابعاد جدیدی از اسلام است. قانون-هایی که در این دین وجود دارد، گاهی همراه با قاطعیت است و گاهی همراه با نرمی، اما آنچه اهمیت دارد این است که قوانین شرعی مطرح‌شده در اسلام، پیوسته مؤمنان را به سوی کمال معرفتی و اخلاقی سوق می‌دهد. در ادامه، دو گفتمان اخلاقی کلان که حاصل کاربست مفهوم «تیسیر» است، مورد بررسی قرار می‌گیرد تا لایه‌های زیرین و اغراض ثانویه از آن بازنمایی شود.

۱. گسترش گفتمان اخلاقی آسان‌گیری و رواداری
از جمله مفاهیم اخلاقی غنی و پرمایه که در دین اسلام مورد نظر قرار گرفته و ترویج شده، آسان‌گیری و رواداری است. در کلیت مفهوم تیسیر هم می‌توان این مهم را مشاهده کرد. در آیه «وَمَا جَعَلْ عَلَيْنَكُمُ فِي الدِّينِ مِنْ حَرْجٍ» (حج: ۷۸) به معنای «در اجرای این دین، سختی و زحمتی بر شما روا نشده است»، می‌خوانیم که خداوند سعی کرده است با آسان‌تر کردن مسائل دینی، سختی‌های احتمالی واردآمده بر ایمان‌آوردندگان را کم کند و مانع دلزدگی آنها از مبانی دینی و اعتقادی شود. در واقع، دین آمده است تا مردم نسبت به زندگی امیدوار و انگیزه‌مند شوند، نه آنکه به دلیل سختی‌های احتمالی، نگاهی منفی نسبت به دین پیدا کند.
در آیه «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» (بقره: ۱۸۵) به معنی «خداوند برای شما حکم را آسان خواسته و تکلیف را مشکل

مسأله و هدف پژوهش حاضر این است که نشان داده شود به واسطه رشد فرهنگ و گفتمان اخلاقی «تیسیر» در گستره احکام شرعی و فقهی، مقوله آسان‌گیری و رواداری در میان روابط جامعه اسلامی گسترش پیدا می‌کند و مسلمانان با عنایت به الگویی کامل و جامع به نام خداوند، از این گفتمان در کنش‌های خود استفاده کرده و مبانی رفتاری خود را بر اساس این رفتار شکل می‌دهند.

مواد و روش‌ها

این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای انجام شده و جامعه آماری، کتاب قرآن کریم است. ساختار کلی تحقیق به این شکل است که ابتدا به مفهوم «تیسیر» و جایگاه و انواع آن در فقه اسلامی پرداخته شده و سپس، در بخش اصلی مقاله، ابعاد اخلاقی مستتر در این مفهوم و گفتمان‌های برآمده از آن، کاویده شده است. در این تحقیق سعی شده است نگاهی متفاوت به مفهوم تیسیر صورت پذیرد و کارکردهای اخلاقی آن بازنمایی شود.

پیشینه تحقیق

تاکنون در هیچ پژوهشی به ابعاد اخلاقی مفهوم تیسیر و اثرگذاری-های اخلاقی آن در میان مسلمانان پرداخته نشده است. از این‌رو، تحقیق حاضر برای نخستین بار به این مقوله می‌پردازد و نوآوری دارد. با این حال، در چند تحقیق از سودمندی‌های تیسیر صحبت شده است که در این بین، بخشی و همکاران (۳)، به ابعاد مفهوم تیسیر در مثنوی و غزلیات مولوی پرداخته‌اند. از دید نویسنده‌ها، در کلام شاعر، مواردی چون: اضطراب، رجحان تکالیف بر یکدیگر، عدم تکرار در جرم و مسائل معرفت‌شناختی به عنوان عامل تیسیر یاد شده است که در تطبیق با آراء غالب فقها، شاهد هنجارگریزی‌هایی هستیم. دلیل محوری این موضوع، گرایش‌های عرفانی مولاناست که باورهای فقهی او را تحت تأثیر قرار داده و به آن شاکله‌ای جدید بخشیده است. همچنین، تبلیغ گفتمان تیسیر با روحیه رواداری و تساهل مولانا ارتباط مستقیم دارد. در تحقیقی دیگر، ضیایی و همکاران (۴) در مقاله‌ای به بررسی تلفیق و تیسیر در اجتهاد پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که مفاهیم یادشده تحت قواعدی چون: رفع حرج و قاعده یسر با هم اشتراک دارند. تلفیق و تیسیر، رابطه عموم و خصوص من وجه دارند؛ زیرا هر تلفیقی لزوماً تیسیر نیست و هر تیسیری لزوماً تلفیق نیست.

مبانی نظری تحقیق

تیسیر: این اصطلاح از کلمه «وسع» گرفته شده است. در تعریف وسع آمده است: چیزی که در توان آدمی باشد و بر او سخت و دشوار نباشد. خداوند، انسان را به اندازه طاقت و تحمل او، مکلف می‌کند. تکلیفی که برای او آسان است و از طاقت نهایی او کمتر است. از این‌رو، انسان می‌تواند در روز بیش از پنج وعده نماز بخواند یا بیشتر از یک ماه روزه بگیرد، ولی خداوند او را به کمتر از این مقدار، تکلیف کرده است. (۵) قاعده فقهی تیسیر، آدمی را از گرفتار آمدن در دشواری و سختی مصون نگاه می‌دارد و مانع آسیب رسیدن به جسم و جان آدمی می‌شود. از دید شاطبی، یسر به عملی گفته می‌شود که نفس را به سختی نمی‌اندازد و بر جسم هم سنگینی می‌کند. (۶)

نگرفته است» نیز، خداوند تأکید می‌کند که همواره خواهان آسان‌گیری و رواداری بوده و نگاه او به مؤمنان از روی ملاحظت و علاقه‌مندی است. این رویکرد پیام اخلاقی مهمی را به مخاطب انتقال می‌دهد و آن، این است که فرد می‌آموزد در کنش‌های بینافردی خود نیز، اهل رواداری باشد. او درمی‌یابد که نیروی برتر و قاهر که همه هستی را آفریده است، در ارتباط با وظایف افراد کمی تساهل می‌کند و از روی محبت با مردم رفتار می‌نماید. در نتیجه، مؤمنی که اهل تدبیر باشد، شمه‌ای از این رفتار را فرامی‌گیرد و در رفتارهای روزمره‌اش به کار می‌بندد.

در احادیث گوناگون، پیامبر اسلام نیز بیان کرده‌اند که هدف از برانگیختن ایشان این بوده است تا در مباحث دینی از روی آسان‌گیری رفتار کنند. شاید بتوان یکی از اصلی‌ترین دلایل حضور مردم نزد ایشان را همین رفتار دانست. ای‌سا اگر در ابتدای فراگیری اسلام، ایمان آورندگان شاهد رفتارهای خشونت‌آمیز حضرت بودند، از دین رویگردان می‌شدند و اسلام پایگاه مردمی خود را از دست می‌داد. با این حال، قاعده فقهی «تیسیر» که در قرآن هم به آن اشاره شده است، زمینه‌های لازم را برای انعطاف‌پذیری دین فراهم آورد. در حدیثی منسوب به پیامبر اسلام آمده است: «انی بعثت علی الملة السمحة البيضاء» (۱۲) به معنی «من بر دین آسان‌گیر و روشن برانگیخته شده‌ام».

در آیه «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» (آل عمران: ۱۵۹) به معنی «به مرحمت خدا بود که با خلق مهربان گشتی و اگر تندخو و سختدل بودی، مردم از گرد تو متفرق می‌شدند. پس از (بدی) آنان درگذر و برای آنها طلب آمرزش کن و (برای دلجویی آنها) در کار (جنگ) با آنها مشورت نما»، به صراحت ذکر شده است که دلیل محبوبیت همگانی پیامبر، آسان‌گیری او در مسائل دینی بوده است. در واقع، حضرت توانست با روحیه روادارانه خویش، نظر مطلوب مردم را جلب کند. آنها با مقایسه کنش‌های پیامبر اسلام و دیگر صاحبان قدرت در شبه‌جزیره به این نتیجه رسیده بودند که حضرت رسول قابل اطمینان و مردم‌دوست است. در نتیجه، به او گرایش پیدا کردند. رشد اعتماد عمومی به اسلام را باید یکی از دلایل مهم برای فراگیری این دین آسمانی دانست که البته، همه این فراز و فرودها به خواست خداوند متعال بوده است. در این آیه به صراحت ذکر شده است که آسان‌گیری در برخورد با مردم باعث می‌شود تا آدمی به درجه محبوبیت برسد. این پیام مهم اخلاقی است که طبق این آیه به مخاطب انتقال داده می‌شود. به عبارت دیگر، هرگاه صاحبان قدرت دینی، سیاسی و ... بتوانند از اصل مدارا و تساهل در گفتار، اندیشه و رفتار خود استفاده کنند، قطعاً می‌توانند دیدگاه‌های مورد نظر خود را بهتر گسترش دهند.

در آیه «لَا تَكْلَفُ نَفْسٌ إِلَّا وَسْعَهَا» (بقره: ۲۳۳) به معنی «هیچ‌کس را تکلیف جز به اندازه طاقت نکنند»، خداوند پیش از نزول این آیه، توضیحاتی درباره ارتباط والدین با نوزاد ارائه می‌دهد و خوشکاری‌هایی را برای هر کدام ارائه می‌کند. سپس، با ذکر این عبارت، به مخاطبان خود اعلام می‌دارد که همه این وظایف بر اساس ظرفیت‌های پدر و مادر تعیین شده و حتی، از توان آنها پایین‌تر است. آسان‌سازی و «تیسیر» در تفویض وظایف هر فرد، نمود ویژه‌ای دارد

و این مهم را مشخص می‌کند که هدف خداوند، رشد جامعه انسانی در ابعاد گوناگون اخلاقی و معرفتی است. در نتیجه، واگذاری مسئولیت‌ها به اندازه‌ای است که موجب فرسایش ذهنی و رفتاری فرد مسئول نشود. هر کدام از این آیه‌ها را می‌توان دارای یک ژرف‌ساخت و روساخت دانست. به این معنا که خداوند در ظاهر به موضوع نگهداری از فرزند اشاره می‌کند و در باطن، مفهوم رواداری در واگذاری مسئولیت‌ها به یکدیگر را یادآور می‌شود. بنده به صورت غیرمستقیم می‌آموزد که در برخورد با اطرافیان، باید چنین روش و منشی را پیش بگیرد تا موفقیت نهایی حاصل شود.

از جمله موضع‌گیری‌های خداوند در قرآن که به قاعده «تیسیر» مربوط می‌شود، نحوه برخورد با یتیمان است. حق تعالی در آیه ذیل می‌فرماید: «وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ وَأَلْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا نَكْفِیْ نَفْسًا إِلَّا وَسْعَهَا» (انعام: ۱۵۲) به معنی «و هرگز به مال یتیم نزدیک نشوید، جز به آن وجه که نیکوتر است تا آنکه به حد رشد و کمال رسد. و به راستی و عدالت، کیل و وزن را تمام بدهید. ما هیچ‌کس را جز به قدر توانایی و طاقت تکلیف نکرده‌ایم».

طبق این آیه، افرادی که به صورت مقطعی صاحب مال یتیمان شده‌اند و باید از آن مراقبت کنند، مورد توجه قرار می‌گیرند. یتیم هیچ حامی و مدافعی ندارد و مال او که نزد یتیم نگهداری می‌شود، عاملی برای لغزش است. در نتیجه، خداوند به این افراد هشدار می‌دهد تا از دایره عدالت خارج نشوند. همچنین، بلافاصله بیان می‌دارد که اجرایی کردن این توصیه‌ها امکان‌پذیر است و خداوند هرگز ورای توانایی افراد، مسئولیتی را به آنها واگذار نمی‌کند. دو نکته اخلاقی در این آیه نهفته شده است: نخست اینکه در زمان قدرتمندی نباید لغزید و منحرف شد و دوم اینکه، خداوند مسئولیت‌هایی را به افراد واگذار می‌کند که از حد توانشان پایین‌تر است. این دو سرنمون اخلاقی را می‌توان در زندگی روزمره اجرایی کرد و به کسانی که با ما در ارتباط هستند، وظایفی را محول کرد که هم، از بار مسئولیت آن کاسته شود و هم قادر به انجام آن باشند.

خداوند در آیه ذیل به نتایج آسان‌گیری در دین هم اشاره می‌کند. در این آیه ذکر شده است: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَا نَكْفِیْ نَفْسًا إِلَّا وَسْعَهَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (اعراف: ۴۲) به معنی «و آنان که ایمان آوردند و (به قدر وسع) در کار نیک و شایسته کوشیدند؛ زیرا ما کسی را بیش از وسع تکلیف نکنیم. آنها اهل بهشت و جاودان در آن متعتم هستند». بر این اساس، کسانی که ایمان می‌آورند، در مسیر درستی و نیکویی گام برمی‌دارند و از ارتکاب به اعمال ضد اخلاقی پرهیز می‌کنند. طبیعتاً خداوند به چنین افرادی وعده بهشت می‌دهد؛ زیرا کارهایی را که از آنها خواسته شده است، به درستی انجام داده‌اند. البته، حق تعالی تأکید می‌کند که این خواسته‌ها پایین‌تر از توانایی‌های مؤمنان بوده است. این رویکرد نشان می‌دهد که هدف از تعیین احکام و قوانین دینی، سخت شدن زندگی بر مؤمنان نیست، بلکه غرض نهایی، رساندن بندگان حقیقی به بهشت می‌باشد. اگر این الگوی رفتاری و فکری، در زندگی هر فرد انعکاس پیدا کند، قطعاً دستاوردهای اخلاقی مطلوبی برای او به همراه دارد و مؤمن می‌تواند به آینده روشن خویش امیدوار باشد. همان‌طور که خداوند در برخورد با بنده‌هایش

«عقل»، «اختیار» و «قصد» در او وجود داشته باشد. امام خمینی درباره ارتداد می‌گوید: «ولو صدر منه حال غضب غالب لایملک معه نفسه لم یحکم بالارتداد». (۱۳) از دید غالب فقها، اصل بر عدم ارتداد فرد است. اگر کوچک‌ترین شبهه‌ای وجود داشته باشد، اتهام ارتداد از فرد ساقط می‌شود. در واقع، موازین شرعی روی این موضوع چندان سخت‌گیری نمی‌کنند و همواره اصل بر رواداری است. «مذاق شارع به سمتی است که حکم ارتداد اثبات نشود ... حالات ارتداد مختلف است: حالت اول، فرد، ضروری مذهب را انکار کند، به گونه‌ای که به انکار نبوت بینجامد. در این صورت، همان حکم ارتداد از دین، بر او جاری می‌شود. حالت دوم، اگر شیعه‌ای، سنی شود یا سنی، شیعه شود که مجازات فقهی مرتد در مورد دو گروه جاری نیست». (۱۴) همه این قاعده‌های فقهی نشان می‌دهد که شارع مجازات مرتد را به آسانی انجام نمی‌دهد و به دنبال ادله‌های بسیار متقن می‌گردد تا در نهایت، فرد را به واسطه این گناه کبیره، کیفر دهد.

این کیفیت از برخورد پیام اخلاقی مهمی را در جامعه اسلامی انعکاس می‌دهد. با اینکه حکم قطعی مرتد مشخص است و زیانبار بودن حضور این افراد در میان مسلمانان، نیاز به اثبات ندارد، ولی فقیه از این اراده برخوردار است که راه‌هایی را برای بازگشت این افراد به آغوش اسلام باز بگذارد. قطعاً مخاطبان قرآن که همانا مؤمنان هستند درمی‌یابند که در برخورد با دیگران هم می‌توانند از روی مدارا رفتار کنند. همان‌طور که طبق حکم خداوند، با مرتدان از روی رأفت برخورد می‌شود، بی‌گمان مؤمنان می‌توانند با برادران دینی خود، آسان‌گیرانه‌تر رفتار کنند. در ژرفای این حکم که برآیند «تیسیر» است، پیوندهای انسانی بر اساس محبت پی‌ریزی می‌شود و آستانه تاب‌آوری افراد در برابر اشتباه‌های دیگران افزایش محسوسی پیدا می‌کند.

۲. گسترش گفتمان اخلاقی گذشت از حق خود به سود دیگری قاعده «تیسیر» بازنماینده یکی دیگر از گفتمان‌های اخلاقی یعنی گذشتن از حق خود به هدف کمک کردن به دیگران است. این را می‌توان نوعی ایثار به حساب آورد؛ زیرا آدمی خود را ابزاری قرار می‌دهد تا منافع دیگری تأمین شود. بازکاوی قاعده فقهی «تیسیر» چنین بازتابی را در جامعه خواهد داشت. خداوند در بخش‌های گوناگون از قرآن به آسان‌کردن موازین دینی اشاره کرده است و فقیهان نیز، بسیاری از مبادی شریعت اسلامی را با عنایت به همین اصل، سامان بخشیده و میزان تعهدات فرد مکلف را تغییر داده‌اند. در ارتباط با جزیه، مفهوم «تیسیر» باعث شده است تا قانون‌گذار کاملاً منعطف عمل کند و از طریق این روش، ظرفیت‌های انسان-دوستانه اسلام را به خوبی نشان دهد. حکم جزیه این مفهوم را تبیین می‌کند که در اسلام به حقوق اقلیت‌های دینی احترام گذاشته می‌شود و حاکم مسلمان سعی می‌کند در قبال دریافت جزیه و خراج و ... امنیت این گروه را تأمین کند و آنها را در انجام مناسک دینی آزاد بگذارد. با اینکه طبق قوانین اسلامی، این حق برای حاکم مسلمان وجود دارد که رفتارهای متنوعی با اهل کتاب داشته باشد، اما در اسلام بر کدرا کردن با باورمندان به دین‌های دیگر تأکید شده است. در واقع، مسلمانان از بخشی از حقوق حقه خود گذشته‌اند

از روی رأفت و رواداری رفتار کرده و نتیجه آن، رستگاری بسیاری از مردم شده است، افراد هم با الگو قرار دادن این روش، عاملی برای رسیدن خودشان و دیگران به سعادت می‌شوند. خداوند تأکید می‌کند که قرار دادن تکلیف بر عهده کسی بیش از توانایی او، امری نادرست بوده و منجر به ستم می‌شود. از سوی دیگر، خداوند عادل مطلق است و هرگز ستمکاری از وی سر نمی‌زند. یکی از مصداق‌های اصلی این باور، در قاعده فقهی «تیسیر» دیده می‌شود. حق تعالی همواره پایین‌تر از ظرفیت‌های انسان به او مسئولیت‌هایی عبادی را واگذار می‌کند تا میزان موفقیت هر فرد را افزایش دهد. این رویکرد مثبت‌اندیشانه انگیزه‌های لازم برای رستگاری را در هر فرد گسترش می‌دهد. این مهم در آیه ذیل بازنمایی شده است: «وَلَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَلَدَيْنَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» (مؤمنون: ۶۲) به معنی «ما هیچ نفسی را بیش از وسع و توانایی تکلیف نمی‌کنیم و نزد ما کتابی است که آن کتاب به حق سخن گوید و به هیچ کس هرگز ستم نخواهد شد».

یکی از اصول مهم که در اسلام به آن تأکید می‌شود، جهاد فی سبیل-الله است. این امر برای همه مسلمانان واجب اعلام شده است. با این حال، طبق قاعده «تیسیر» گروهی از افراد از جهاد معاف می‌شوند. از جمله کسانی که از لحاظ جسمانی، ناتوان هستند. اسلام در جامعه عربی رشد پیدا کرد و برای بقا نیازمند جنگ و ستیز بود. نظام قبیله‌ای در شبه‌جزیره حجاز بر اساس مبارزه با دیگر قبیله‌ها پایه‌گذاری شده بود. در نتیجه، در این فرآیند گروه‌هایی که می‌توانستند نیروهای خود را بسیج کنند، شانس خوبی برای ادامه حیات خود داشتند. اسلام نیز، در ابتدا از پایگاه مردمی ضعیفی برخوردار بود و به تدریج توانست خود را تقویت کند. اگر در مبانی این دین آسمانی، تکیه بر جهاد صورت نمی‌گرفت، ای بسا میزان رشد و فراگیری آن، کاهش پیدا می‌کرد. با وجود اهمیت مقوله جهاد، استثناهایی وجود دارد که شماری از افراد را از حضور در این فریضه معذور می‌دارد. این استثناءها را باید برآیند قاعده فقهی «تیسیر» دانست. رواداری با کسانی که توانایی لازم را برای حضور در جنگ ندارند، در آیه ذیل مورد نظر قرار گرفته است: «لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرْجٌ» (نور: ۶۱) به معنی «بر نابینایان و لنگان و بیماران باکی نیست (که به جهاد نروند یا تدرستان با آنها معاشر و هم‌سفره شوند)». بنابراین، خداوند به پیامبر دستور می‌دهد که هرگز این گروه‌ها را طرد نکنند و با رفتارهای ایدایی، باعث دین‌گریزی آنها نشوند. قطعاً پیام اخلاقی مهمی در این سفارش وجود دارد. در واقع، قانون‌گذاران و شارعان (در سطح نخست) و مردم عادی (در سطح ثانویه) می‌آموزند که در برخورد با افراد ناتوان، باید از روی مدارا و سهل‌گیری برخورد کنند و کلام و رفتارشان نباید به گونه‌ای باشد که موجب رنجش خاطر افراد ضعیف شود. این توصیه‌ها به حفظ روابط انسانی و مناسبات بین‌فردی در جامعه اسلامی کمک می‌کند و موجب عمیق-ترشدن پیوندهای انسانی می‌شود.

در بحث مربوط به ارتداد هم، شاهد بازتاب قاعده فقهی «تیسیر» هستیم. اگرچه ارتداد را باید گناهی کبیره به حساب آورد، اما فقها و شارعان گاهی با مرتدان از روی رواداری برخورد می‌کنند. فردی که مرتد باشد، در صورتی مجازات می‌شود که چهار شرط «بلوغ»،

کاری نیکو است. پس قاتل دبه را در کمال خشنودی ادا کند. در این حکم، تخفیف (امر قصاص) و رحمت خداوندی است، بر آن تأکید می‌کند، برآیند قاعده «تیسیر» است. مقوله شرعی مذکور، این شرایط را ایجاد کرده است تا احکام تک‌بعدی و یکسونگر نباشند و در شرایط گوناگون، انعطاف‌پذیر باشند.

در قوانین اسلامی، حد سرقت، بریدن انگشتان تعیین شده است. البته اجرای این حکم دارای شرایطی ویژه است. از جمله اینکه: ۱. سرقت در سال‌های قحطی و تنگدستی انجام نشده باشد؛ ۲. سرقت از فرد خُر انجام شده باشد؛ ۳. فرد به صورت مستقیم، عمل دزدی را انجام داده باشد؛ ۴. قیمت مال دزدیده‌شده به حد نصاب برای اجرای حد برسد. (۱۶) بدیهی است که تجمیع همه این چهار شرط برای قطعی شدن بریدن انگشتان سارق، تقریباً محال و ناممکن است. قانون‌گذار با اطلاع از این موضوع، چنین حکمی را وضع کرده است تا صرفاً خلا قانونی وجود نداشته باشد. هدف اصلی آن است که سارق تا حد امکان به مجازات قطع انگشت و ید محکوم نشود و پیش از رسیدن به این مرحله، متنبه شود و توبه کند. بنابراین، قانون‌گذار از حق الهی و قانونی می‌گذرد تا با منفعت رساندن به فرد دیگر، ولو یک سارق، حیات معنوی او دگرگون شود و امکان بازگشت وی به زندگی عادی تزییع نشود. بنابراین، قاعده «تیسیر» در این بخش از احکام، فرصت‌سازی را در اولیت قرار می‌دهد و مانع فرصت‌سوزی می‌شود.

اگر فرهنگ گذشت و نادیده گرفتن حق خود، در بطن جامعه فراگیر شود و به عنوان یک اصل انسانی رشد پیدا کند، قطعاً آثار سودمندی در لایه‌های گوناگون جامعه پدیدار می‌شود و از میزان بزه‌های اجتماعی کاسته خواهد شد. گفتمان اخلاقی گذشت که برآیند قاعده «تیسیر» است، مانع سقوط اخلاقی بسیاری از انسان‌ها می‌شود و به آنها اجازه می‌دهد تا دوباره به زندگی عادی بازگردند.

نتیجه‌گیری

تیسیر یکی از اصطلاحات شرعی است که با مفهوم اخلاقی گره خورده است. نگاهی به انواع تیسیر نشان می‌دهد که خداوند سعی کرده است در لایه‌های زیرین تیسیر که آسان قرار دادن مبانی و موازین شرعی است، نوعی رویکرد اخلاقی را به مخاطبان خود آموزش داده است. به این معنا که آدمی می‌تواند با گذشت و رواداری، در ارتباط با دیگران برخورد کند. همان‌طور که خداوند در مسائل گوناگون شرعی، پایین‌تر از توان بندگان، دستورهای دینی را بر آنها وضع کرده است، آدمی هم می‌تواند این دیدگاه را مورد نظر قرار دهد و در برخورد با اطرافیان خود، از روی آسان‌گیری رفتار کند. به عبارت دیگر، مفهوم تیسیر این مهم را در میان مؤمنان مدبر و اهل تفکر رواج می‌دهد که در فرآیند ارتباط‌گیری با دیگران، انتظارات خود را بر اساس توانایی‌های آنها تنظیم کنند. در یک نگاه کلی، تیسیر در لایه‌های زیرین خود، کلان‌مفهوم اخلاقی تساهل را در جوامع اسلامی تبلیغ می‌کند و مخاطبان را از گرایش به گفتمان منفعت‌طلبی و یکسونگری صرف، دور می‌دارد. در مجموع، دو گفتمان اخلاقی در بطن مفهوم تیسیر نهفته که عبارت است از: «آسان‌گیری و رواداری» و «گذشت از حق خود به سود دیگری».

و هزینه‌هایی را متحمل شده‌اند تا پیروان اهل کتاب در آرامش در سرزمین‌های اسلامی سکونت داشته باشند. خداوند در ارتباط با پرداخت جزیه آورده است: «حَتَّىٰ يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ» (توبه: ۲۹) به معنی «تا آنگاه که با دست خود با ذلت و تواضع جزیه دهند». طبق این آیه، زمانی که اهل کتاب تسلیم شوند و جزیه پرداخت کنند، امنیت آنها تأمین خواهد شد. در فقه اسلامی، میزان مشخصی برای پرداخت جزیه تعیین نشده است. «جزیه، مقدار ثابتی ندارد و هر سال با توجه به مصالح و نواقص طرفین، مبلغ آن تعیین می‌شود. جزیه فقط بر مردها با وصف عاقل و بالغ بودن تعلق می‌گیرد و بر زن‌ها، کودکان، ناتوانان و دیوانگان جزیه‌ای نیست. بنابراین، مسأله گرفتن جزیه از اهل کتاب که جزو قوانین اسلامی است، نه تنها مستلزم امر خشونت نیست، بلکه نوعی همزیستی مسالمت‌آمیز مسلمانان با اهل کتاب و دیدگاه تسامحی و تساهلی اسلام به ادیان دیگر است که با وجود حقانیت خود، افکار دیگر را نیز در کنار خودش بر می‌تابد.» (۱۵) با عنایت به این توضیحات، حاکم اسلامی می‌تواند با نگاهی آسان‌گیرانه میزان این جزیه را کاهش دهد و از حق بیت‌المال مسلمانان بگذرد تا پیروان اهل کتاب در جامعه اسلامی در آرامش زندگی کنند. این رویکرد نشان می‌دهد که اسلام به هیچ روی نگاهی توهین‌آمیز به غیرمسلمانان ندارد و نه تنها حقوق مشخصی برایشان تعیین کرده است، بلکه گاهی از نظر اقتصادی آن را مورد حمایت قرار داده و بخشی از حقوق مسلم مسلمانان را در ارتباط با اهل کتاب نادیده گرفته است.

موضوع دیگری که بازنماینده گفتمان گذشت از حق خود به سود دیگری است، اخذ دبه است. در این زمینه، «تیسیر» در اجرای حکم الهی باعث شده است تا ابعاد انسان‌دوستانه اسلام آشکار شود. بسیاری در حال گسترش این باور نادرست در ارتباط با اسلام هستند که همراه با خشونت است و حقوق انسانی را پایمال می‌کند. این در حالی است که سماحت و سهولت دینی در ارتباط با دبه، دیدگاه‌های منفی‌نگر را رد می‌کند و به حقانیت اسلام رأی می‌دهد. اگرچه طبق آیه «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (بقره: ۱۷۹) به معنی «ای عاقلان، حکم قصاص برای حفظ حیات شماست تا مگر (از قتل یکدیگر) بپرهیزید»، حیات جامعه انسانی در گرو اجرایی شدن حکم قصاص تصور شده است، ولی این امکان وجود دارد که دبه جایگزین آن شود و از ریخته‌شدن خون‌های بیشتر پرهیز شود. این انعطاف بدان معناست که قانون‌گذار اصلی (خداوند) شرایطی را فراهم آورده است تا فرد دادخواه با گذشتن از حق خود، امکان زندگی را از فرد دیگری سلب نکند. این قاعده فقهی بیان می‌دارد که هدف موازین شرعی، رشد کیفیت اخلاقی زندگی انسان‌ها در دو سرای است و هدف، مجازات صرف نیست. بر این اساس، خداوند گذشتن از حق خود و حیات بخشیدن به دیگری را امری نیکو می‌داند و از آن با عنوان «معروف» یاد می‌کند. در برابر، فرد بخشیده‌شده باید دبه‌ای متناسب با قتل پرداخت کند تا رضایت افراد و نیز، خشنودی الهی حاصل شود. همه این بده‌بستان‌ها که خداوند در آیه «فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدِّ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكَم وَرَحْمَةٌ» (بقره: ۱۷۸) به معنی «و چون صاحب خون از قاتل که برادر دینی اوست بخواهد درگذرد،

11. Oxford culture, (2013), by Angela Crowley and Michael Ashby, 6th edition, Karaj: Danesh Bahman.
12. Shahid Thani, Zain-al-Din bin Ali, (1380), Masalak-al-Afham fi Sharh Sharia-al-Islam, Qom: Dar al-Hadi.
13. Imam Khomeini, Ruhollah, (1392), Tahrir al-Wasila, Volume 2, Tehran: Imam Khomeini Editing and Publishing Institute.
14. Mousavi Khansari, Mohammad Bagher, (1392 AH), Manahj-ul-ma'arif or culture of Shia beliefs, with an introduction and notes by Ahmad Rouzati, Bi-ja: Bi-na.
15. Ijtihadi, Abulqasem, (1350), "Research on Kharaj", Journal of Articles and Reviews, No. 5-6, pp. 24-55.
16. Nawī, Yahya bin Sharaf, (Beita), Al-Majmoh Sharh Al-Muhdez, vol. 14 and research by Ibrahim bin Ali Shirazi, Jeddah: Maktaba al-Rashad.

References

The Holy Quran

1. Bi-Nam, (1382), Jurisprudence according to the religion of Ahl al-Bayt (AS), under the supervision of Seyyed Mahmoud Hashemi-Shahrudi, Qom: Institute of Islamic Jurisprudence Encyclopaedia.
2. Timuri, Fatemeh and Farahmand, Mahnaz and Amirmohammadi, Zia, (2017), "Good neighborliness and social-ethical coexistence of Muslims with Zoroastrians", Journal of Ethics in Science and Technology, year 13, number 3, pp. 1-7.
3. Bakshi, Ali et al., (2019), "Research and analysis of the concept of Taysir in Masnavi al-Masnavi and Shams's Ghazalyat of Molana and its comparison with the opinions of Islamic jurisprudence", Journal of Comparative Literature, Year 4, Number 14, pp. 140-160.
4. Ziyai, Mohammad Adel, (1400), "Study of Consolidation and Consolidation in Ijtihad", Islamic Law Fundamentals Magazine, Year 14, Number 27, pp. 113-127.
5. Zamakhshari, Mahmoud bin Omar, (1430 A.H.), Asas al-Balagha, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya.
6. Shatabi, Abu Ishaq Ibrahim, (1417 A.H.), Al-Mawafafat fi Usul al-Sharia, Saudi: Darban Affan.
7. Sagheer, Falah bin Mohammad, (2010), Eliser and Al-Mashah fi al-Islam, Riyadh: Saudi Ministry of Endowments.
8. Hosseinijo, Seyyed Amir and Eslami, Saeed and Poladi, Kamal, (1401), "The moral virtue of tolerance and tolerance and its relationship in liberalism and religious innovation in Iran", Journal of Ethics in Science and Technology, year 7, number 5. pp. 7-1.
9. Dekhoda, Ali-Akbar, (1377), Dictionary, Tehran: University of Tehran.
10. Firozabadi, Muhammad bin Yaqub, (1415 AH), Al-Qamoos-Al-Muhait, 4 vols., Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya.